

تهدیدپذیری اقتصادی، تهدیدپذیری هویت ملی (مطالعه موردی ایران و کشورهای منطقه)

* فرهاد رهبر

** سیدموسی خادمی

E-mail: frahbar@ut.ac.ir

E-mail: sm_khademi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۷/۲۰

چکیده

یکی از شاخصه‌های اصلی ملت در عصر جدید، وجود نظام اقتصادی قدرتمند در سایه دولتی ملی است. تهدیدپذیری اقتصادی، منجر به تهدید نظام سیاسی می‌شود و فروپاشی اقتصادی یک نظام سیاسی بی‌شک یکی از عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی را تهدید می‌کند. منطقه پرتنش خاورمیانه و وجود کشورهای رقیب و دشمن ایران در منطقه، می‌تواند عوامل بیرونی این تهدید هویتی در نظر گرفته شود؛ به طوری که بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران در افق ۱۴۰۴ هـ.ش باید به جایگاه اول اقتصادی منطقه دست یابد. این مقاله، با معرفی مفهوم تهدیدپذیری اقتصادی و تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن، به بررسی یکی از عوامل استراتژیک شناخت تهدیدات هویت ملی (تهدیدات اقتصادی) می‌پردازد. بر اساس الگوی ارائه‌شده، کشورهای برخوردار از رشد اقتصادی مستمر و درونزای بالاتر، توزیع عادلانه‌تر و استقلال اقتصادی بیشتر، کمتر در معرض تهدیدات اقتصادی هستند. در نتیجه نظام سیاسی و هویت ملی آن‌ها کمتر در معرض خطر است. در ادامه، شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی (ETI) معرفی، و روند تغییرات آن طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۵ محاسبه شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، اقتصاد ایران از نظر توزیع عادلانه، استقلال اقتصادی و تهدیدپذیری کلی اقتصادی در مقایسه با اقتصاد کشورهای عربستان، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در معرض تهدیدات بیشتری است و در بعد رشد درونزای اقتصادی از میان کشورهای یادشده در مقایسه با عربستان سعودی دارای وضعیت بهتری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات اقتصادی، استقلال اقتصادی، رشد اقتصادی، توزیع عادلانه، هویت ملی.

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جمهوری اسلامی ایران در پایان تا سال ۱۴۰۴ هـ.ش باید به جایگاه اول اقتصادی در جنوب غرب آسیا دست یابد. استفاده از مفهوم غیرشفاف جایگاه و محدود نکردن آن به معیارهای مورد استفاده در رتبه‌بندی اقتصاد کشورها، مثل رشد اقتصادی، توسعه پایدار و شاخص امنیت انسانی و حتی مفهوم جدیدتر قدرت اقتصادی، تدوین شاخص‌های تعیین‌کننده جایگاه اقتصادی را برای ارزیابی حرکت درخصوص چشم‌انداز ضروری کرده است. کنترل عوامل چهارگانه، شامل نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌های اقتصادی و به‌روزر نمودن آن‌ها برای بازنگری راهبردها، از نیازمندی‌های اصلی کنترل و ارزیابی هر برنامه راهبردی، از جمله سند چشم‌انداز است. از طرفی وجود حجم و گستره زیادی از اهداف، فرایندها و فعالیت‌های میانی و واسطه‌ای مؤثر بر سیر تحقق سند چشم‌انداز، ارزیابی تمامی عوامل را در همه بخش‌ها برای مدیران ارشد غیرممکن می‌سازد. راه‌حل منطقی تدوین شاخص‌های ترکیبی از راه متغیرهای کلیدی اقتصاد می‌باشد که امکان سنجش کمیّت و کیفیت حرکت کشور را به سمت هدف تعیین شده برای مدیران ارشد نظام فراهم نماید. اهمیت روزافزون بعد اقتصادی امنیت ملی در اوضاع امروز جهان ناشی از گسترش جهانی‌شدن و افزایش وابستگی متقابل کشورها، باعث شده که مفاهیمی نظیر تهدیدات و آسیب‌پذیری اقتصادی، فشارها و تحریم‌های اقتصادی و شاخص‌های مرتبط با این مفاهیم جایگاه ویژه‌ای در صفحه شطرنج اقتصاد جهانی بیابند. این در حالی است که علی‌رغم فراوانی استفاده از لفظ تهدید اقتصادی در محافل مختلف، به دلیل پیچیدگی و بین‌رشته‌ای بودن آن، مطالعات علمی اندکی در این زمینه انجام شده است. این مقاله ضمن معرفی مهم‌ترین ابعاد تهدیدات اقتصادی و مؤلفه‌های آن‌ها، به دنبال ارائه الگویی مقدماتی برای محاسبه شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی، برای ارزیابی راهبردی سند چشم‌انداز بیست‌ساله می‌باشد.

سؤالات تحقیق

جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل اقتصادی و در نتیجه افزایش نقش اقتصاد در روابط بین‌الملل، باعث شده کشورها به نحو گسترده‌ای از ابزار اقتصادی برای نیل به اهداف ملی خود استفاده کنند و تا حدود زیادی جنگ‌های اقتصادی جایگزین جنگ‌های نظامی شود. همچنین در صحنه داخلی، توفیق یا ناکامی نظام‌های سیاسی در

موضوعات اقتصادی، مهم‌ترین معیار ارزیابی آن‌ها و عاملی مهم در جابه‌جایی قدرت سیاسی مبدل شده است. بر اساس این، موضوع تهدیدات اقتصادی با منشأ داخلی و خارجی در مطالعات امنیت‌پژوهی جایگاه ویژه‌ای دارد. به طور قطع به دلیل ماهیت موضوعات اقتصادی و وابستگی گریزناپذیر کشورها به همدیگر، حذف کامل تهدیدات اقتصادی غیرممکن است؛ ولی کاهش نسبی آن‌ها در مقایسه با دیگران از اهداف راهبردی همه کشورهای محسوب می‌شود. ایران بر اساس سند چشم‌انداز، به دنبال کسب جایگاه اول اقتصادی در منطقه است و از طرفی به دلیل شرایط و ماهیت ویژه نظام سیاسی، اقتصاد کشور همواره از طرف قدرتمندترین اقتصادهای جهان در معرض تهدید بوده و هست. با ملاحظه نکات فوق کاهش تهدیدپذیری اقتصادی ایران در برابر رقبای اصلی منطقه از الزامات اصلی سند چشم‌انداز بیست‌ساله خواهد بود. از این‌رو، مهم‌ترین سؤالات این تحقیق عبارتند از:

۱. مهم‌ترین ابعاد تهدیدات نظام اقتصادی کدام‌اند؟
۲. مهم‌ترین مؤلفه‌های تبیین‌کننده این ابعاد کدام‌اند؟
۳. الگوی مناسب ترکیب ابعاد و شاخص‌ها برای تعیین درجه تهدیدپذیری کدام است؟
۴. وضعیت تهدیدپذیری اقتصاد ایران در ابعاد مختلف در مقایسه با کشورهای رقیب بر اساس سند چشم‌انداز چگونه است؟

متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق

استقلال اقتصادی: استقلال اقتصادی یعنی آن که اوضاع کشور در نظام بین‌الملل به نحوی باشد که سایر کشورها با استفاده از ابزار اقتصادی نتوانند آن را وادار به رفتاری نمایند که در غیر آن صورت، آن گونه رفتار نمی‌کرد.

تهدیدات اقتصادی: عبارت است از عوامل داخلی و خارجی با ماهیت اقتصادی و خارج از کنترل دولت (نظام سیاسی) که باعث به خطر افتادن بقای نظام اقتصادی یا جلوگیری و تأخیر در دستیابی به اهداف عالی آن شوند.

درجه تهدیدشوندگی: شاخص ترکیبی که وضعیت هر کشور را از نظر قرار داشتن در معرض تهدیدات اقتصادی در مقایسه با گروهی از کشورها نشان می‌دهد.

امنیت اقتصادی: میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

سطح راهبردی: در این تحقیق، عوامل مورد بررسی در سطح ملی و فراملی، موضوعات کلان اقتصاد ملی است و از بررسی مسائل خرد، بخشی و موردی خودداری خواهد شد.

اهمیت و جایگاه مؤلفه‌های اقتصادی

اهمیت تهدیدات اقتصادی تابعی از اهمیت نقش اقتصاد در روابط بین‌الملل و اداره داخلی جوامع است. مکاتب مختلف اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل ضمن اشتراک در تأکید بر اهمیت موضوعات اقتصادی، در ارتباط با جایگاه آن در برابر سایر موضوعات، نظرات متفاوتی دارند. واقع‌گرایی سنتی در مقام نظریه غالب در روابط بین‌الملل حداقل در دوران قبل از جنگ سرد با اصالت دادن به قدرت نظامی در روابط بین‌الملل و تقسیم‌بندی موضوعات بین‌المللی به دو سطح «سیاست عالی»^۱ و «سیاست عادی»^۲، مسائلی نظیر حاکمیت ملی و امنیت در برابر تهدیدات خارجی را مهم و جزء قلمرو سیاست عالی می‌دانند، تمامی مسائل دیگر جامعه، از جمله تأمین رفاه اقتصادی را با درجه اهمیت کم تلقی می‌کنند و در قلمرو سیاست عادی قرار می‌دهند (ریپسمن^۳، ۲۰۰۰: ۲۵). این نظریه نقش اقتصاد ملی را به تأمین نیازمندی‌های قدرت نظامی و قرار گرفتن در خدمت آن محدود می‌کرد (تری‌تریف، ۱۳۸۱: ۲۹۶). از طرف دیگر لیبرال‌ها با اصل دانستن همکاری بین کشورها و با طرح مواردی نظیر وابستگی متقابل و آزادسازی تجاری (کالیر^۴، ۲۰۰۵: ۱۷)، و همچنین مارکسیست‌ها با طرح نظریه‌هایی نظیر وابستگی و روابط سلطه‌آمیز مرکز - پیرامون، موضوعات اقتصادی را مهم‌تر از سایر موضوعات فرض می‌نمایند. واقعیت جهان امروز حاکی است که ضمن حفظ ارتباط تنگاتنگ حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی با همدیگر در روندی معکوس در مقایسه با قبل، در اغلب اوقات این قدرت نظامی است که در خدمت اهداف اقتصادی قرار می‌گیرد (تری‌تریف، ۱۳۸۱: ۲۹۶). دو عامل اصلی ارتقای اهمیت اقتصاد در سیاست بین‌المللی اکنون با هم ترکیب شده‌اند. ماهیت به سرعت در حال تغییر اقتصاد جهانی و پایان جنگ سرد و ساده‌تر شدن سطح تنش‌های استراتژیک بین‌المللی و مهم‌تر از آن همزمانی وقوع این دو پدیده، اقتصاد را در جایگاه محوری در روابط بین‌الملل نشانده است. درجه وابستگی متقابل اقتصادی موجب شده که بازارها، دولت‌ها و سایر بازیگران، از نظر اقتصادی به همه تحولات جهانی حساس شوند. بنابراین، اقتصاد در مقام موضوع سیاست عادی

1. High politics
2. Low politics

3. Ripsman

4. Colier

جایگاهی بالاتر یافته است. بنابراین در حالی که اقتصاد جایگاهی بالاتر می‌یابد، جایگاه امنیت در مقام سیاستی عالی تنزل یافته و به تعبیر موران^۱، پس از جنگ سرد سیاست عادی در حال تبدیل شدن به سیاست عالی است (موران، ۱۹۹۰: ۶۵). پس می‌توان ادعا کرد که امروزه جایگاه کشورها بر روی صفحه شطرنج جهانی، نخست به امنیت اقتصادی آن بستگی دارد (تری‌تریف، ۱۳۸۱: ۲۹۸).

همچنین در سطح داخلی و ملی نیز رفاه اقتصادی و برخورداری از سطح مطلوب زندگی، از مهم‌ترین مطالبات هر جامعه و اصلی‌ترین وظیفه هر نظام سیاسی است و پس از شکل‌گیری اولیه نظام‌های سیاسی، مهم‌ترین عامل جابه‌جایی و گردش قدرت، چگونگی توانایی آن‌ها در حل و فصل موضوعات اقتصادی کشور می‌باشد. درباره ایران بنابه موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور و همچنین نوع نظام سیاسی و نگرش منتقدانه آن به چگونگی توزیع قدرت در جهان، نقش موضوعات اقتصادی و استفاده سایر کشورها از ابزار اقتصادی در جهت نیل به اهداف سیاسی به نحو بارزی مشهود و در حال جریان است تا جایی که از طرف مسئولان نظام با عنوان «جنگ اقتصادی» از آن یاد شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

تهدیدات اقتصادی

واژه تهدیدات اقتصادی با وجود استفاده فراوان، به ویژه از سوی سیاستمداران و تحلیلگران روابط بین‌الملل، به دلیل گستردگی حوزه شمول اقتصاد و پیچیدگی مفهوم تهدید و بین‌رشته‌ای بودن آن هنوز تعریف نشده است. به همین دلیل بررسی ادبیات تهدیدات اقتصادی، نیازمند مراجعه به پژوهش‌های رشته‌های امنیت‌پژوهی، روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصاد است. در این قسمت در حد ضرورت، بخشی از این مطالعات مرور خواهد شد.

تهدیدات اقتصادی در مطالعات امنیت‌پژوهی

امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی، و تهدیدات اقتصادی در مقام نوعی از تهدیدات امنیت ملی بیشتر محصول نظریات اندیشمندان مکتب کپنهاگ است. طرفداران این مکتب با فراتر رفتن از تهدیدات نظامی و با نگاه موسع به تهدیدات، آن‌ها را در پنج بعد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۹)، و

1. Moran

به طور تقریباً متناظر، امنیت ملی را در قالب چهره‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی تصویر می‌کنند (ماندل، ۱۳۷۷: ۸۳). باری بوزان^۱، از معروف‌ترین اندیشمندان این مکتب، تهدیدات اقتصادی را سخت‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدیدات می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

بوزان عوامل داخلی و ضعف سیاستگذاری اقتصادی را نیز در زمره تهدیدات می‌داند: «تهدیدات اقتصادی فقط از تدابیر خارجیان ناشی نمی‌شود، بلکه عدم کارایی مسئولان در مدیریت امور نیز در آن مؤثر است.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۰)

ماندل^۲ نیز ابعاد امنیت اقتصادی را دو بعد داخلی (شامل رشد اقتصادی و توزیع عادلانه) و خارجی (رهایی از فشارها و تحریم‌ها خارجی) می‌داند. وی مسئله قدیمی هویج (اقدامات مثبت نظیر اعطای کمک، سرمایه‌گذاری و تخفیف تعرفه) و چماق (اقدامات منفی نظیر تحریم، محاصره، قرار دادن در لیست سیاه و اعمال سهمیه) را از مهم‌ترین اشکال تهدید اقتصادی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

جان بیلی^۳ نیز با تقسیم‌بندی تهدیدات امنیت ملی به تهدیدات سنتی (با تأکید بر بخش نظامی) و تهدیدات مدرن، تهدیدات اقتصادی را جزو تهدیدات مدرن می‌داند. به نظر او تهدیدات مدرن سه گونه اصلی شورش‌های منطقه‌ای، تروریسم و جرائم سازمان‌یافته — بلایای طبیعی و موضوعات اقتصادی هستند و مهم‌ترین تهدیدات اقتصادی، تهدیدات انرژی، آب، زیرساخت‌های ارتباطی و مسائل فقر، بیکاری و نابرابری (بیلی، ۲۰۰۵).

تهدیدات اقتصادی و جامعه‌شناسی سیاسی

موضوعات اقتصادی می‌توانند باعث تهدیدات اجتماعی و تهدیدات هویتی شوند. نظریه‌های مارکسیستی انقلاب، نظریه منازعه طبقاتی ارسطو، نظریه طمع افلاطون، نظریه محرومیت نسبی تد رابرت‌گر، نظریه رفاه فزاینده الکسی دو توکویل، نظریه نوسازی شتابان، نظریه انتظارات فزاینده دیویس و نظریه انحطاط ابن‌خلدون خشونت‌ها و شورش‌های اجتماعی را تبیین، و به عواملی نظیر نابرابری، رشد اقتصادی ضعیف، رکود پس از دوران رونق، تجمل‌پرستی و فساد اقتصادی زمامداران، رشد شتابان، عدم تناسب بین امکانات و توقعات، بی‌ثباتی اقتصادی و گسترش فقر (به عنوان اقتصادی بروز شورش‌های اجتماعی) اشاره کرده‌اند. بررسی دقیق‌تر این نظریه‌ها و عوامل یادشده نمودار دو نکته مهم است: ۱. خشونت‌ها از طرف عده‌ای (گروه‌های ناراضی) علیه عده‌ای دیگر

1. Barry Buzan

2. Mandel

3. John Bailey

(معمولاً نظام سیاسی حاکم و گروه‌های برخوردار از امتیازات آن) انجام می‌شود. ۲. عوامل اقتصادی به‌طور مستقیم به شورش و خشونت ارتباط ندارند، بلکه از طریق دو متغیر واسطه‌ای، یعنی نارضایتی فردی و گروهی این رابطه برقرار می‌شود (گادران^۱: ۲۰۰۷). تبدیل نارضایتی فردی به نارضایتی گروهی نیازمند الزامات، شرایط و وجود تسهیل‌کننده‌هایی است. عوامل تسهیل‌کننده تبدیل نارضایتی فردی به نارضایتی گروهی طیفی از موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد؛ ولی یکی از مهم‌ترین آن‌ها شرایطی است که آثار منفی عامل اقتصادی شامل حال گروه‌های ضعیف و درآمد پایین گردد و آن‌ها به نحو بارزی خود را در مقایسه با سایر گروه‌های هویتی و اجتماعی متضرر و مغبون ببینند.

به عنوان مثال درباره تأثیر نابرابری توزیع ناعادلانه منابع و امکانات به ویژه نابرابری عمودی^۲ و نابرابری افقی^۳ بر شورش‌های اجتماعی مسنر^۴ معتقد است نابرابری یک منبع تضاد است و سرانجام بین علاقمندان به کاهش نابرابری و هواخواهان حفظ آن، شکاف تولید می‌کند. نابرابری‌ها از طریق ایجاد تضاد توزیعی تبدیل به خصومت کلی و انتشاری شوند (بی‌نام، ۱۳۸۱: ۱۲). لندن و رابینسون در یک مطالعه عرضی بین کشورها، با تعداد بین ۵۱-۴۶، دو عامل خارجی و داخلی را مسئول خشونت سیاسی می‌دانند: یکی عامل وابستگی و دیگری نابرابری در درآمد (بی‌نام، ۱۳۸۱: ۱۴) کالیر^۵ و هافلر^۶ با معرفی ضریب جینی برای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی^۷ یا نابرابری عمودی به بررسی رابطه آن با تضادهای خشونت‌آمیز پرداخته و نتیجه گرفتند که فقرا برای باز توزیع ثروت به دنبال تغییر وضع موجود هستند ولی اغنیا به دنبال حفظ موجود هستند و از این طریق بخشی از نیروهای مولد شورش خنثی می‌شود (کالیر، ۲۰۰۴: ۶۵، استوارت، ۲۰۰۷: ۱۵).

با توجه به شکل‌گیری گروه‌های هویتی بر اساس شکاف‌های مذهبی، قومی، منطقه‌ای و یا هر مشخصه مهم متمایزکننده بخشی از افراد (همان: ۱۲) می‌توان گفت هر گاه نابرابری بر یک و یا چند تا از شکاف‌های یاد شده انطباق یابد آنگاه نابرابری افقی خواهیم داشت. وجود این نوع نابرابری نقش مهم و فزاینده‌ای در وقوع تضادها و شورش‌های داخلی ایفا می‌کند. برای سادگی تحلیل معمولاً نابرابری‌های افقی به ۴ دسته سیاسی (حضور در کابینه، نظام اداری و نیروهای مسلح)، اقتصادی (دسترسی به ثروت و منابع اقتصادی، فرصت‌های شغلی و...)، اجتماعی (دسترسی به خدمات اجتماعی آموزش، بهداشت، آب، مسکن و...) و فرهنگی (پذیرفتن آداب و نشانه‌های

1. Gardrun

2. Vertical Inequality

3. Horizontal Inequality

4. Masner

5. Callier

6. Hoeffler

7. Income Inequality

فرهنگی و... تقسیم می‌شوند (همان: ۲۳). گادران^۱ در مطالعه‌ای با عنوان نابرابری افقی، محیط سیاسی و شورش‌ها به بررسی جنگ‌های داخلی ۵۵ کشور در حال توسعه از سال ۱۹۸۶ تا سال ۲۰۰۳ پرداخته و با توجه به وقوع منازعات مسلحانه بین دولت و یک گروه مخالف که حداقل هر سال ۲۵ نفر کشته در پی داشتند این فرضیه را اثبات نمود که همبستگی بین نابرابری‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای و منازعات خشونت‌بار مثبت و قوی است ولی این همبستگی در نظام‌های دموکراتیک و نیمه‌دموکراتیک به دلیل وجود فرصت‌های بیشتر برای بروز نارضایتی‌های گروهی قوی‌تر است. او در این مطالعه با این فرض که معمولاً طبقه‌بندی‌های نژادی و قومی جوامع بر تقسیم‌بندی منطقه‌ای آنها تا حدود زیادی منطبق است از نابرابری منطقه‌ای یا نابرابری فضایی^۲ به عنوان نماینده نابرابری افقی استفاده کرد است (گادران، ۲۰۰۷: ۷۵).

به نظر پای^۳ ریشه بحران توزیع، محدودیت منابع و عدم تخصیص عادلانه است که منجر به ایجاد نابرابری در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی می‌شود (پای، ۱۳۸۰: ۳۸). به نظر کاسا^۴ نابرابری آموزشی، تورم، وجود اقتصاد سایه، فساد اقتصادی، فراوانی منابع طبیعی، بیکاری و حجم بالای سرمایه‌گذاری خارجی از جمله عواملی هستند که اثر مثبت آنها بر افزایش نابرابری در تعداد زیادی از مطالعات تجربی اثبات شده است (کاسا: ۲۰۰۵). همچنین موضوع رابطه تورم و شورش‌های اجتماعی به طور خاص نیز مورد بررسی قرار گرفته و مشاهدات جهانی از یک نمونه بزرگ ۵۱ کشوری در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که بین میزان تورم و توزیع درآمد همبستگی قوی وجود دارد. به این معنا که با افزایش تورم نابرابری افزایش می‌یابد و افزایش نابرابری به افزایش احساس محرومیت نسبی و بروز خشونت‌ها کمک می‌کند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۶).

توسعه اقتصادی و تغییر اجتماعی

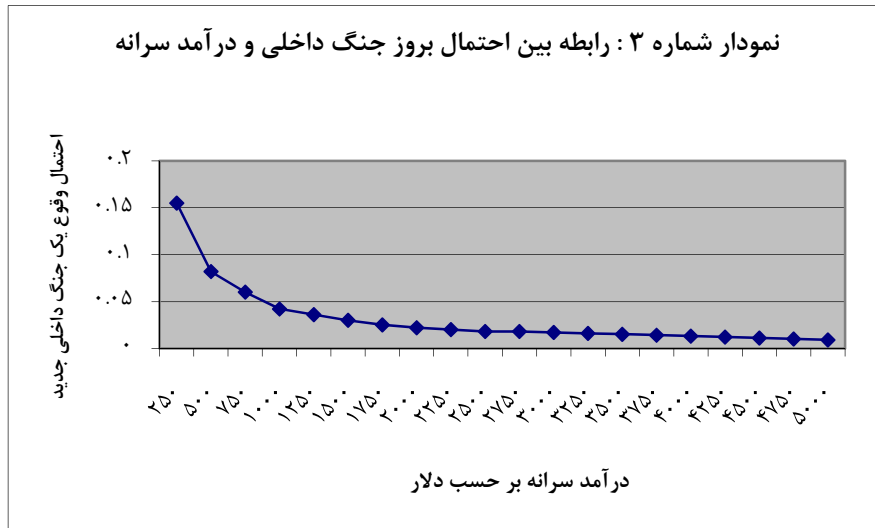
از مواردی که به‌عنوان منشأ اقتصادی بروز شورش‌ها مورد توجه قرار گرفته، موضوع تغییرات اجتماعی یا به تعبیر ساندرز «انفکاک» ساختاری جامعه (ساندرز، ۱۳۸۲: ۲۲۸) ناشی از رشد و توسعه اقتصادی و پیامدهای منفی این تغییرات می‌باشد. اولسون و لوییس با طرح نظریه نوسازی شتابان ناشی از اتخاذ راهبردهای نامناسب توسعه، به نتایج منفی رشد سریع اقتصادی، از قبیل فقر اکثریت مردم، تفاوت درآمد، تمایز طبقاتی

1. Gudrun
2. Spatial

3. Pye

4. Kaasa

و شکاف در هنجارها اشاره می‌کنند (رهبری، ۱۳۸۳: ۴۴). رشد اقتصادی سریع، سبب تغییراتی در نظام اجتماعی کشور، مانند تغییرات اساسی در شیوه تولید و در نتیجه شیوه کار و زندگی مردم می‌شود؛ در نتیجه این تغییر توزیع درآمد و ثروت دو گروه برنده و بازنده به وجود خواهد آمد. این وضعیت به دلیل تلاش برندگان برای کسب منافع بیشتر، تبدیل بازندگان به ناراضیان و طرفداران تغییر وضع موجود و همچنین تشدید پدیده مهاجرت، به تغییر اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵). برخلاف نظریه نوسازی شتابان، مطالعات زیادی درخصوص همبستگی فراوان بین توسعه‌نیافتگی و رشد اقتصادی ضعیف و احتمال بروز شورش‌ها انجام شده است. توماس دیکسون^۱ با پذیرش مهاجرت گسترده به عنوان یکی از منابع شورش‌ها، معتقد است «فقر و کمیابی به مهاجرت‌های شدید می‌انجامد که به نوبه خود به تشکیل گروه‌های هویتی رقیب برای تصاحب منافع منجر می‌شود و از این طریق تضادها افزایش می‌یابد.» (ازم،^۲ ۲۰۰۱) براساس مطالعات همفریز، همبستگی بین فقر و رکود اقتصادی و بروز شورش‌های داخلی مثبت است (همفریز،^۳ ۲۰۰۳) همچنین نتایج حاصل از مدل‌های اقتصادسنجی بانک جهانی بیان‌کننده رابطه قوی منفی بین ثروت یک ملت و احتمال داشتن شورش داخلی می‌باشد که در قالب نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.



مأخذ: (همفریز، ۲۰۰۳)

1. Thomas Dixon

2. Azam

3. Humphreys

براساس نمودار فوق، احتمال وقوع منازعه در کشوری با GDP سرانه حدود ۲۵۰ دلار در پنج سال آینده ۱۵ درصد است؛ ولی اگر GDP به ۶۰۰ دلار برسد این احتمال نصف خواهد شد، با GDP ۱۲۵۰ دلار، احتمال وقوع به زیر ۴ درصد می‌رسد و در کشورهای با درآمد بالاتر از ۵۰۰۰ دلار احتمال وقوع شورش کمتر از ۱ درصد است (همفریر، ۲۰۰۳). برخی نیز افزایش تضادها را در کشورهای با درآمد سرانه پایین بدین علت می‌دانند که در این کشورها فرصت‌های درآمدی از طریق فعالیت‌های صلح‌آمیز کم است. همین امر سبب روی آوردن مردم به اقدامات شورش می‌شود (بیلی، ۲۰۰۵، میگل، ۲۰۰۳). به هر حال پیام این گزاره‌ها آن است که اقدامات رشد محور و تضادهای داخلی به طور کامل تقویت‌کننده و مکمل هم هستند.

از دیگر عوامل اقتصادی مورد نظر محققان در بررسی دلایل وقوع شورش‌های اجتماعی، برخورداری یک کشور از منابع طبیعی فراوان است. براساس مطالعات انجام‌شده، کشورهای که ثروت آن‌ها بیشتر به صادرات مواد اولیه شامل محصولات کشاورزی و منابع طبیعی وابسته است، بیشتر مستعد خشونت‌های داخلی هستند (ازم، ۲۰۰۱). همفریز با توجه به همبستگی بین وفور منابع طبیعی و بروز شورش می‌گوید در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی موارد زیر می‌توانند باعث ایجاد نارضایتی شوند:

- گسترش نابرابری در دوران گذار و اجرای استراتژی‌های توسعه؛
 - مهاجرت‌های اجباری ناشی از ساز کارهای لازم برای استخراج این منابع؛
 - توزیع ناعادلانه‌تر ثروت ناشی از منابع طبیعی، از سوی دولت‌ها و شیوع فساد اقتصادی؛
 - عدم پاسخگویی و شفافیت دولت‌ها به دلیل اتکای آن‌ها بر درآمدهای ناشی از منابع طبیعی به جای مالیات (نظریه دولت رانتیر)؛
 - بروز بیماری هلندی و تضعیف بخش‌های تولیدی اقتصاد هنگام افزایش درآمدهای ناشی از منابع طبیعی و ایجاد تورم و بیکاری
 - آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل شوک‌های ناشی از دوره‌های تجاری و ایجاد نارضایتی بین گروه‌های زیان دیده (همفریر، ۲۰۰۳).
- کالیر و هافلر معتقدند برخورداری از منابع طبیعی اغلب با عوامل دیگر نظیر خدمات ضعیف بخش عمومی، سوءمدیریت اقتصادی و فساد همراه شده و از این طریق به افزایش تضاد کمک می‌کند و بواقع شورش‌ها در این حالت پاسخی به حاکمیت ضعیف هستند (هافلر، ۲۰۰۴).
- مطالعات اخیر درباره منابع طبیعی درصددند با بررسی جزئی‌تر منابع طبیعی و

دخالت عواملی نظیر نوع، شکل و جغرافیا موضوع ارتباط آن‌ها را با تضاد بررسی نمایند. رز^۱ در مطالعه‌ای برخی از موارد متمایز کننده انواع منابع طبیعی را به صورت زیر بیان می‌کند:

نحوه تمرکز: برخی از منابع نظیر نفت به صورت متمرکز^۲ یا نقطه‌ای بوده و مدیریت آن‌ها نیازمند ساختار سازمانی سلسله مراتبی و با همبستگی سازمانی بالاست. برخی از منابع نظیر احشام به صورت پراکنده^۳ و از نظر ساختار و مدیریت نیز پراکنده و ساده هستند. همین منطبق در خصوص بازارهای این منابع نیز مطرح است یعنی کالاهای انبوه و توده‌ای^۴ برای صادرات به بازارهای بین‌المللی کانال‌های تجاری متمرکز دارند و کالاهای غیرتوده‌ای بازارهای ساختاریافته کمتری دارند.

فاصله با مرکز: دور یا نزدیک بودن موقعیت جغرافیایی منابع طبیعی در مرکز قدرت سیاسی بر توانایی و احتمال موفقیت گروه‌های شورشی در دسترسی به این منابع مؤثر است (رز، ۲۰۰۲).

وضعیت‌های ممکن ارتباط تضاد و منابع طبیعی در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: جغرافیای منابع طبیعی و تضاد

نزدیک به مرکز	دور از مرکز	
احتمال شورش و آشوب داخلی	به وجود آمدن قدرت‌های پراکنده و منازعه با دولت مرکزی	پخش
افزایش کنترل دولت	افزایش احتمال تجزیه طلبی	متمرکز

(اقتباس از همفریز، ۲۰۰۳)

تهدیدات اقتصادی و قدرت اقتصادی

الگوی ابرقدرت اقتصادی یکی از رویکردهای مدرن به قدرت ملی است و بر این نظریه مبتنی است که قدرت ملی ابعاد متفاوتی دارد و هر کشوری ممکن است با یک یا تمام ابعاد قدرت در عرصه روابط بین‌الملل حضور یابد. به همین دلیل برخی از محققان از مفاهیمی نظیر قدرت جهانی یک‌بعدی - دوی‌بعدی یا همه‌جانبه یاد می‌کنند. البته با فرض پذیرش وجود سلسله‌مراتب قدرت، اهمیت آن‌ها یکسان نیست. برخی به ابعاد نظامی و برخی نیز به سایر ابعاد قدرت اهمیت بیشتری می‌دهند. از میان چهره‌های مختلف قدرت ملی، بنا به دلایل پیش گفته، قدرت اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار

1. Ross
2. Point

3. Diffillse

4. Dutch Disease

است. ادبیات قدرت اقتصادی، به ویژه در دو رشته روابط بین‌الملل^۱ و اقتصاد سیاسی بین‌الملل^۲ بر تقسیم‌بندی دویبخشی قدرت با عنوان قدرت اقتصادی مستقیم^۳ و قدرت اقتصادی غیرمستقیم^۴ اتفاق نظر دارند.

قدرت اقتصادی غیرمستقیم به رشد فزاینده وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان از دهه ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین حضور قوی و روشن‌تر اقتصاد در روابط بین دولتها برمی‌گردد. با اختلاف کمی در تعاریف، فونباشی^۵ آن را قدرت پنهان، کلوزیوس نور^۶ نفوذ بدون زور^۷، رابرت کوهن^۸ قدرت کنترل نتایج، جوزف نای^۹ قدرت نرم^{۱۰} و سوزان استرنج^{۱۱} قدرت ساختار^{۱۲} می‌نامند (کریستوفر^{۱۳}، ۱۹۹۹: ۳۴).

نکته مهم در این موضوع آن است که دولت برای کاربست قدرت اقتصادی در خدمت سیاست ملی، لزوماً نیازمند دستکاری^{۱۴}، کنترل هوشیارانه، عامدانه و موردی در نظام اقتصاد بین‌المللی یا روابط اقتصادی دو یا چندجانبه با سایر کشورها نیست، بلکه از طریق تسلط بر بازارهای بین‌المللی، وضع رژیم‌ها و نهادهای اقتصادی، می‌تواند محیط فعالیت‌های اقتصادی را شکل داده، از این راه گزینه‌های سیاستی و رفتاری سایر دولتها را از پیش تعیین و محدود کند.

نوع دوم قدرت اقتصادی، قدرت اقتصادی مستقیم است. فونباشی آن را قدرت آشکار^{۱۵}، کلوزیوس نور قدرت اجبار^{۱۶} و استرنج قدرت ارتباطی^{۱۷} می‌نامد. پس قدرت اقتصادی مستقیم عبارت است از دستکاری عامدانه و اندیشیدشده منابع اقتصادی از سوی یک دولت با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی اراده انجام نمی‌دهد (کریستوفر، ۱۹۹۹: ۴۵). قدرت اقتصادی مستقیم هم به صورت اقناع نمودن^{۱۸} و هم از طریق فشار اقتصادی برای کسب منافع یک دولت به کار گرفته می‌شود.

نظریه وابستگی متقابل و همچنین مفهوم آسیب‌پذیری^{۱۹} برای تبیین چگونگی تحمیل مخارج اقتصادی و اثربخشی قدرت اقتصادی در تغییر رفتار دولتها کاربرد دارد. آسیب‌پذیری به توانایی (یا ناتوانی) بازیگران در تحمل هزینه‌های تحمیل شده به

- | | | |
|--|----------------------|--------------------|
| 1. International relations (IR) | 8. Robert Keohane | 15. Revealed power |
| 2. International Political economy (IPE) | 9. Joseph. S. Nye | 16. Coercive power |
| 3. Direct economic power | 10. Soft Power | 17. Relation power |
| 4. Indirect economic power | 11. Strange | 18. Persuasion |
| 5. Funbashi | 12. Structural Power | 19. Vulnerability |
| 6. Klauss Knorr | 13. Christopher | |
| 7. Non - coercive influence | 14. Manipulation | |

وسیله نیروهای خارجی برمی‌گردد. دولت‌های با سطح بالای آسیب‌پذیری یا دارای آستانه تحمل پایین مشقات اقتصادی، احتمال آنکه در طولانی‌مدت در پاسخ به فشارهای ناشی از اعمال قدرت اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم از سوی سایر دولت‌ها، رفتار سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود را تغییر دهند، خیلی بیشتر است. فونباشی عامل جهندگی اقتصادی^۱، تطبیق/ سازگاری^۲، جایگزینی^۳ و دسترسی/ فراهم نمودن^۴ را معیارهای لازم برای سنجش آسیب‌پذیری اقتصادی کشور در مقابل اعمال قدرت اقتصادی از طرف سایر کشورها معرفی می‌کند (کرشنر، ۱۹۹۷: ۵۵). هر سه عامل نخست بیان می‌کند که یک دولت تا چه حد از خودکفایی^۵ و یا استقلال^۶ اقتصادی، به ویژه در مورد کالاها و خدمات راهبردی، نظیر مواد غذایی و انرژی برخوردار است (مؤسسه راند، ۲۰۰۵: ۱۲۴). افزایش وابستگی متقابل و گسترش جهانی شدن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی از نظر فرهنگی و هویتی نیز می‌تواند حامل تهدید برای کشورها باشد. زیرا جهانی شدن از طریق گسترش الگوهای رفتاری و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و روش‌های زندگی، فرهنگ و هویت ملت‌ها را متأثر می‌سازد. با توجه به تسلط غرب و به ویژه امریکا بر اقتصاد جهانی، فرهنگ و ارزش‌های غربی و امریکایی برگرفته از نظام سرمایه‌داری حاکم بر جریان جهانی شدن هستند تا جایی که برخی از آن، با عنوان جهانی سازی، غربی شدن^۷ یا امریکایی شدن^۸ نیز یاد می‌کنند. جنبه مهمی از جهانی شدن ناظر بر جهانی شدن قواعد رفتاری و ارزش‌های پشتیبان آزادی تجارت است که موجب برخی از تحولات در فرهنگ‌های بومی در جهت سازگاری آن‌ها با این فرهنگ عمومی تجاری می‌شود. (غنی‌نژاد، ۱۳۸۵). در عصر جهانی شدن افراد دیگر از هویت به‌ارث‌رسیده قانع نیستند و می‌کوشند تا هویت خود را در سایه امکاناتی که روند جهانی شدن برای آن‌ها فراهم آورده است کشف، تعریف و بازتولید کنند. این امر به مرور موجب دگرگونی‌هایی در هویت ملی می‌شود و به موازات هویت‌های ملی یک هویت جهانی نیز در حال شکل‌گیری می‌باشد (زمانی، ۲۰۰۷).

بنابراین می‌توان گفت هر چه وابستگی کشور به خارج بیشتر، و وابستگی دیگران به آن کمتر باشد، قدرت اقتصادی کمتری داشته و بیشتر در معرض تهدیدهای اقتصادی از نوع تحریم‌ها، فشارها و تهدیدات هویتی، فرهنگی و سیاسی از راه ابزار اقتصادی قرار می‌گیرد.

1. Resilience
2. Adjustment
3. Substitution

4. Availability
5. Self sufficient
6. Autarky

7. Westernization
8. Americanization

تهدیدات اقتصادی ایران

اقتصاد ایران به دلایل مختلف با تعداد زیادی از عوامل تهدیدزا مواجه است. بیکاری، تورم بالا، رکود اقتصادی و رشد ضعیف از جمله علائم نامناسب در اقتصاد ایران هستند. در این بخش تعدادی از عوامل مهم تهدید در اقتصاد ایران به طور مختصر بحث می‌شود.

۱. وابستگی به درآمدهای ناشی از منابع طبیعی

یکی از عوامل تهدیدزای اقتصادی وابستگی به منابع طبیعی بود. وجود ذخائر عظیم نفت و گاز و درآمدهای ناشی از فروش نفت اقتصاد ایران را در زمره وابسته‌ترین اقتصادها به منابع طبیعی قرار داده است به گونه‌ای که در کلیه تحولات سیاسی و اجتماعی کشور نقش نفت انکارناپذیر باشد. کاتوزیان با طرح نظریه استبداد نفتی، بالا رفتن درآمدهای نفتی، افزایش استقلال رژیم از مردم و فاصله گرفتن از آن‌ها را عامل اصلی وقوع انقلاب می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۹۹-۲۸۹). همچنین برقراری اقدامات رفاهی و افزایش مصرف‌گرایی، به‌ویژه با تکیه بر واردات ناشی از دلارهای نفتی و ناتوانی دولت در پاسخگویی به توقع یادشده هنگام کاهش درآمدهای نفتی در طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۴ از دلایل انقلاب ذکر شده است (رهبری، ۱۳۸۳: ۶۵). امروزه نیز نفت با در اختیار داشتن سهم ۸۰ درصدی در سبد کالای صادراتی کشور، همچنان نقش اصلی را در اقتصاد ایران داراست (اسناد برنامه چهارم، ۲۰۹). بنابراین تهدیدهای مرتبط با وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران همچنان حضور دارند. نکته دیگر آنکه منابع نفت و گاز ایران از نوع متمرکز، ولی با فاصله زیاد از مرکزیت سیاسی و بیشتر در استان‌های مرزی کشور قرار دارند که مخاطرات و حساسیت‌های آن قابل تأمل است. محرومیت و توسعه‌نیافتگی مناطق نفت‌خیز جنوبی کشور در مقایسه با مناطق مرکزی و وجود نابرابری افقی می‌تواند به صورت هم‌افزا با عامل تمرکز منابع طبیعی به حساسیت آن بیافزاید؛ علاوه بر آن، دخالت کشورهای خارجی و تحریک و حمایت از جنبش‌های قومی در مناطق نفت‌خیز، نیز اهمیت موضوع را مضاعف می‌سازد.

۲. جهانی‌شدن اقتصاد و تهدیدات هویتی

درخصوص تهدیدات اقتصادی ناشی از گسترش وابستگی متقابل و جهانی‌شدن تجارت و به ویژه تهدیدات هویتی و فرهنگی ناشی از آن نیز ایران دارای وضعیت خاص و منحصربه‌فردی است؛ زیرا این نظام بیشترین انتقاد را به نظام سرمایه‌داری داشته و

مدعی ارائه الگوی جدیدی برای اداره جهان است که تفاوت ماهوی با اصول حاکم بر نظم فعلی و ساختار موجود قدرت در جهان دارد. ریشه این اختلاف به نگاه متفاوت به ماهیت انسان، اهداف و روش‌های نظام اقتصادی و... بر می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت بیشترین تهدید هویتی ناشی از جهانی‌شدن متوجه ارزش‌ها، اصول و فرهنگ حاکم بر جامعه ایران خواهد بود.

۳. نابرابری افقی

جمهوری اسلامی ایران از نظر ترکیب هویتی در رده کشورهای با اکثریت جمعیتی نسبتاً بزرگ با تنوع فرهنگی است. از نظر دینی در کنار اکثریت مسلمان، پیروان سایر ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی قرار دارند. از بُعد تنوع قومی نیز اقوام کشور عمدتاً در نوار مرزی و قلمروهای جغرافیایی منطبق بر نام اقوام مربوطه استقرار یافته‌اند (مرادیان، ۱۳۸۶: ۵۷)؛ به نحوی که دنباله قومی اقوام ساکن در حواشی و دوسوی مرزهای بین‌المللی به کشورهای همسایه کشیده می‌شود (احمدی‌پور، ۱۳۸۶). به هر حال وجود اقوام مختلف و ناهمگونی جمعیت در درون یک دولت - ملت بستر اصلی همه جنبش‌های ناسیونالیستی می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۰). ایران نیز از این موضوع مستثنا نبوده و با وجود دو عامل وحدت‌ساز و انسجام‌دهنده قوی بین اقوام ایرانی، یعنی هویت ایرانی و دین اسلام (با تأکید بر مذهب شیعه)، حس ناسیونالیسم قومی در مواقعی از تاریخ برجستگی یافته است. یکی دیگر از ویژگی‌های ترکیب قومی، مذهبی و منطقه‌ای ایران انطباق تقریبی هویت‌های یادشده بر همدیگر است. به واقع انباشت این مشخصه‌های هویتی می‌تواند خطر نارضایتی‌ها را افزایش دهد به ویژه اگر مردم مناطق یادشده احساس نابرابری افقی یا محرومیت در مقایسه با سایر مناطق داشته باشند. درباره نابرابری منطقه‌ای متأسفانه بررسی‌ها حاکی است که بین استان‌های کشور نابرابری مشهود است. سنجش وضعیت توسعه انسانی استان‌ها نمودار آن است که ۸ استان کشور دارای شاخص توسعه انسانی بین ۷۵/ تا ۸۴/ (توسعه انسانی بالا)، ۱۳ استان دارای شاخص توسعه انسانی ۶۵/ تا ۷۵/ (توسعه انسانی متوسط) و ۶ استان نیز دارای شاخص ۵۴/ تا ۶۵/ (توسعه انسانی پایین) هستند (اولین گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۹). این در حالی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به نحو بارزی بر لزوم کاهش نابرابری و توسعه هر منطقه متناسب با استعدادهای آن، رفع تبعیض (اصل ۴۸ قانون اساسی) و برخورداری همه آحاد ملت از هر قوم و قبیله از

حقوق مساوی و فارغ از توجه به رنگ، نژاد و زبان و مانند این‌ها تأکید کرده است. علاوه بر آن، بررسی وضعیت استان‌های حاشیه‌ای کردستان و سیستان و بلوچستان نشان‌دهنده وضعیت نامناسب توسعه‌یافتگی و قرار گرفتن آن‌ها در جایگاه آخر و ماقبل آخر بین استان‌های کشور است. این موضوع به معنای شکل‌گیری نابرابری افقی است که وضعیت نامناسبی در رابطه با تهدیدات هویتی را نشان می‌دهد.

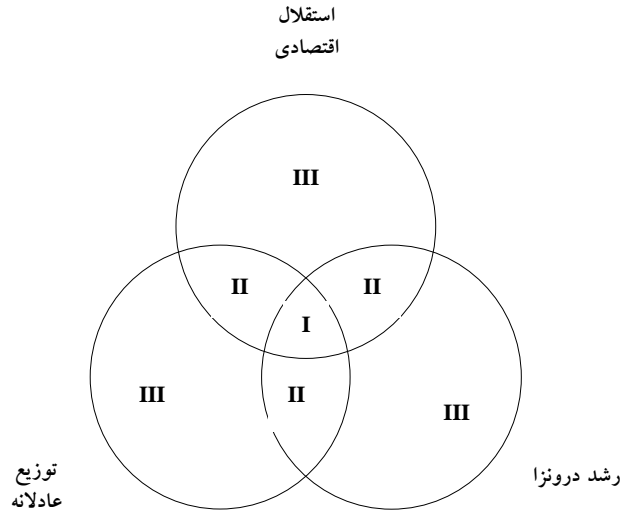
نکته مهم دیگر ترکیب قومیتی ایران، این است که ادامه موقعیت مکانی اقوام به درون کشورهایی راه یافته است که براساس سند چشم‌انداز رقبای اصلی ایران در کسب جایگاه اول منطقه‌ای هستند. در بین همسایگان ایران، کشورهای ترکیه، عربستان، پاکستان و عراق با توجه به برخورداری از منابع و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک مناسب، رقبای اصلی ایران بر اساس سند چشم‌انداز هستند که در دوسوی مرزهای آن‌ها با ایران، اقوام یکسان قرار دارند. بر این اساس، هر گونه بهبود نسبی وضعیت اقتصادی مردم آن سوی مرز در مقایسه با مردم هم‌قوم و هم‌مذهب در داخل کشور می‌تواند بر اساس نظریه گار از طریق افزایش توقعات و احساس محرومیت نسبی ساکنان مناطق یادشده به ایجاد نارضایتی بیانجامد. با توجه به موارد پیش‌گفته پدیده‌های اقتصادی که نقش عامل موجد یا عامل مبقیه را در نابرابری داشته باشند، می‌توانند به عنوان تهدید اقتصادی تلقی شوند.

ابعاد تهدیدات اقتصادی

در نگاهی کلی می‌توان تهدیدهای اقتصادی را به دو دسته تهدیدات با منشأ داخلی و تهدیدات با منشأ خارجی تقسیم کرد. همچنین تهدیدها می‌توانند از نوع عامدانه (فاعل محور) یا ناشی از قواعد و نظام‌های حاکم بر روابط اقتصادی داخل و بین کشورها (ساختارمحور) باشند. ادبیات قدرت اقتصادی بیشتر معطوف به تهدیدهای خارجی هستند و سایر ادبیات بررسی شده بیشتر بر تهدیدهای داخلی تأکید دارند. در معرفی عوامل و شرایط تهدید نیز بررسی نظریه‌های یادشده، نمودار تمرکز بر سه موضوع رشد و پیشرفت اقتصادی، توزیع عادلانه (۲) و استقلال اقتصادی است. متغیرهای دیگر معرفی شده در مطالعات، نظیر تورم، فساد اقتصادی، بیکاری، وابستگی به کالاهای راهبردی از جمله غذا و انرژی، وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی و... از حیث تأثیر منفی آن‌ها بر حداقل یکی از این موضوعات، تهدید محسوب شده‌اند.

- با توجه به موارد یادشده و با الهام از مباحث نظری، تهدیدات اقتصاد ملی را می‌توان در دو حوزه داخلی و خارجی و در سه بعد اصلی خلاصه کرد:
۱. وابستگی یا عدم استقلال اقتصادی؛
 ۲. عدم رشد اقتصادی مناسب؛
 ۳. توزیع غیرعادلانه درآمد و امکانات.

نمودار شماره ۲: ابعاد سه‌گانه اقتصاد متعادل



- I: ناحیه عاری از تهدید یا وضعیت مطلوب اقتصاد است.
- II: در این نواحی اقتصاد به ترتیب از یک یا دو ویژگی لازم سلامت اقتصادی بی‌بهره‌است. به عبارت بهتر، کشوری را می‌توان به صورت نسبی رها از تهدیدهای اقتصادی و دارای نظام اقتصادی متعادل تلقی نمود که از رشد و پیشرفت اقتصادی بیشتر، توزیع عادلانه‌تر امکانات و استقلال اقتصادی بیشتری برخوردار باشد.

مدل مفهومی تحقیق

با توجه به مباحث طرح‌شده و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های تهدیدهای اقتصادی، مدل مفهومی تحقیق با هدف ساخت شاخص مناسب برای مقایسه تهدیدپذیری کشورها به صورت زیر خواهد بود:

$$[\text{استقلال اقتصادی}] \text{ I (رشد مناسب درونزا) I (توزیع عادلانه)] = \text{امنیت اقتصادی}$$

بر اساس آن، در هر اقتصادی، می‌توان ناحیه امنیت اقتصادی و به عبارت دیگر ناحیه فارغ از تهدید را فصل مشترک سه حوزه استقلال اقتصادی، رشد مناسب درونزا و توزیع عادلانه دانست. به همین ترتیب، فقدان هر یک از ابعاد یادشده می‌تواند تهدید اقتصادی تلقی شود.

تعیین مؤلفه‌های هر بعد

گام بعدی تحقیق، تعیین عوامل تبیین‌کننده هر یک از ابعاد می‌باشد. معیار اصلی در انتخاب این عوامل برخورداری آن‌ها از چهره تهدیدی است. البته به طور کلی همه پدیده‌ها حاوی فرصت و تهدید هستند و نمی‌توان هیچ پدیده یا عاملی را فقط تهدید تلقی نمود؛ ولی در این تحقیق با توجه به رویکرد تهدیدشناسی، وجه تهدیدی عوامل بیشتر مد نظر است. از طرفی این عوامل باید روی هر یک از ابعاد سه‌گانه تأثیر جدی و معنادار داشته باشند؛ لذا با تلفیق و تطابق عوامل بالقوه تهدیدزا در اقتصاد ملی استخراج شده از مباحث نظری از یک طرف، و عوامل مؤثر بر رشد درونزا، توزیع عادلانه و استقلال اقتصادی از طرف دیگر، مؤلفه‌های تهدیدزای اقتصادی در هر بعد تعیین می‌شوند.

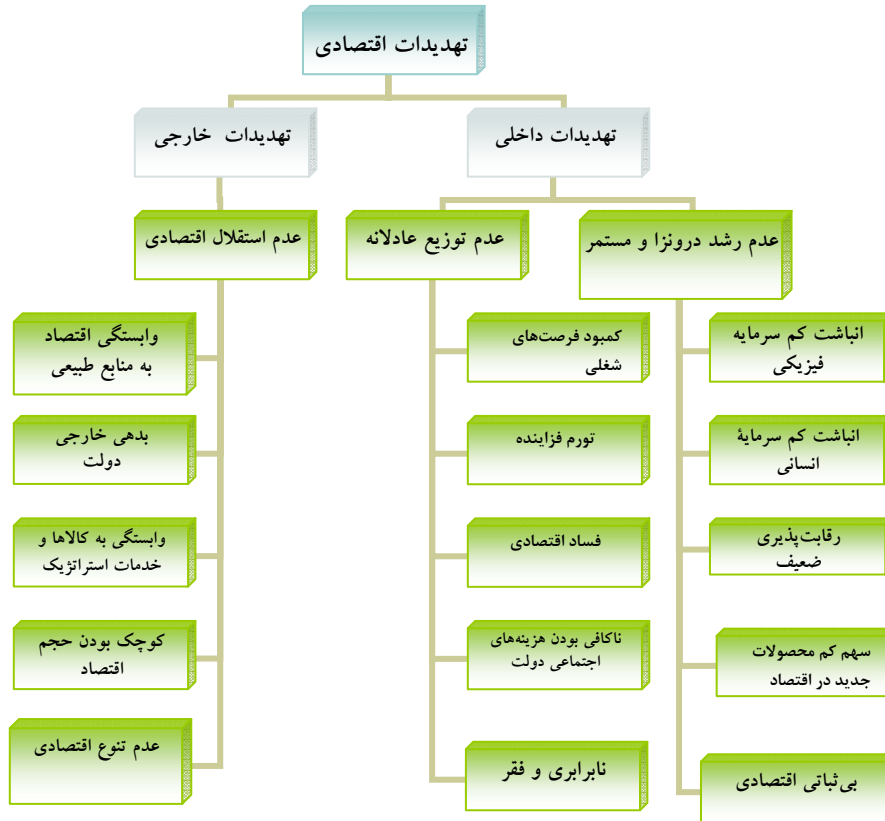
یکی دیگر از نکات مهم در تعیین نهایی مؤلفه‌های هر بعد، حذف عواملی است که از نظر روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی نظیر روش SWOT در زمره عوامل ضعف قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه مهم‌ترین معیار در تفکیک عوامل ضعف و تهدید، به موضوع امکان کنترل از سوی مدیریت سیستم بر می‌گردد (۸: ۳۵ و ۳۶) و از آنجا که سطح تحلیل در این تحقیق سطح ملی و مدیریت نظام اقتصادی در اختیار نظام سیاسی حاکم فرض شده است؛ بنابراین عواملی نظیر اتخاذ استراتژی‌های نامناسب توسعه، سیاست‌های نامناسب پولی و مالی و موارد مشابه - که در حوزه اختیارات دولت‌ها هستند - ضعف تلقی شده و از فهرست تهدیدات حذف شده‌اند. نکته دیگر آنکه عواملی که امکان سنجش کمی آن‌ها وجود نداشته یا در صورت وجود، به دلیل وابستگی شدید به شرایط خاص هر کشور مقایسه بین‌کشوری آن‌ها روایی لازم را نداشت، از فهرست عوامل کنار گذاشته شدند.

تعیین شاخص‌های هر عامل

در مرحله بعد برای تعیین شاخص‌های مناسب، معیارهایی نظیر توان بالای آن برای نشان دادن وضعیت و تغییرات عامل، سادگی و در دسترس بودن اطلاعات مد نظر قرار

گرفت. همچنین با توجه به اینکه هدف تحقیق، ساخت شاخص ترکیبی تهدید اقتصادی با قابلیت مقایسه بین کشوری است، شاخص‌هایی انتخاب شده‌اند که اطلاعات آن‌ها به طور منظم از طرف سازمان‌های بین‌المللی منتشر می‌شود. جدول شماره ۱ نشان دهنده شاخص‌های انتخابی و نماد آن‌ها برای اعمال در الگو است.

نمودار شماره ۳: عوامل تبیین‌کننده هر یک از ابعاد شاخص ترکیبی تهدید اقتصادی



شاخص ترکیبی تهدیدپذیری

با توجه به موارد پیش‌گفته، بردار تهدیدپذیری اقتصادهای ملی به صورت تابع زیر است:

$$ETI_i = f(TI_i + TG_i + TD_i) \quad (1)$$

که در آن ETI_i بیانگر شاخص تهدیدپذیری اقتصادی و TI ، TG ، TD به ترتیب، نمودار، تهدید استقلال اقتصادی، تهدید رشد درونزای اقتصادی و تهدید توزیع عادلانه



هستند که هر یک به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$\begin{aligned}
 TG_i &= f(INV_i, LAB_i, IX_i, THI_i, EI_i) \\
 TI_i &= f(FUI_i, FOI_i, RGDP_i, DEBT_i, PI_i) \\
 TD_i &= f(INF_i, UNEM_i, HDI_i, CPI_i, GC_i) \quad (۲)
 \end{aligned}$$

جدول شماره ۲: عوامل، شاخص‌های و نمادهای ابعاد سه‌گانه تهدیدپذیری

نماد	اهمیت (نظر خبرگان)	شاخص مناسب	عوامل / مؤلفه‌ها	بعد اصلی
PI	۴/۲۱	صادرات مواد اولیه به کل صادرات	وابستگی به درآمدهای ناشی از منابع طبیعی	عدم استقلال اقتصادی
DEBT	۳/۸	بدهی خارجی دولت به GDP	بدهی خارجی دولت	
FOI, FUI	۴/۱۸	واردات غذا / سوخت به کل واردات	وابستگی به کالاها و خدمات استراتژیک	
RGDP	۳/۷	نسبت GDP کشور به کل GDP جهان	کوچک بودن حجم اقتصاد	
DIV	۳/۸۵	تمرکز صادراتی / تنوع صادراتی	عدم تنوع اقتصادی	
INF	۴/۶	میزان تورم	تورم و افزایش هزینه‌های زندگی	عدم توزیع عادلانه امکانات
UNEM	۴/۴	میزان بیکاری	کمبود فرصت‌های شغلی	
HDI	۳/۹	شاخص توسعه انسانی	نابرابری آموزشی و سطح پایین توسعه انسانی	
CPI	۴/۲	شاخص احساس فساد	فساد اقتصادی و مالی	
GC	۴/۳۳	مخارج عمومی دولت به GDP	مخارج عمومی دولت (یارانه‌ها، هزینه‌های بهداشتی و آموزشی)	
INV	۴/۵	نسبت سرمایه‌گذاری به GDP	انباشت کم سرمایه فیزیکی	رشد اقتصادی درونزا
EI	۴/۲۱	شدت انرژی	پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید	
LAB	۴/۱	شاخص آموزش (از HDI)	کمبود نیروی کار	
INS	۴/۰۶	شاخص بی‌ثباتی	بی‌ثباتی اقتصادی	
IHT	۳/۹۸	سهم محصولات با تکنولوژی بالا در صادرات	سهم کم محصولات صنعتی و جدید (مدرن) در اقتصاد	
IX	۴/۱۵	صادرات صنعت به کل صادرات	در اقتصاد	

ترکیب مناسب ابعاد برای ساخت شاخص کلی تهدید اقتصادی و ترکیب عوامل برای تعیین وضعیت هر یک از ابعاد به روش‌های مختلفی ممکن است. یکی از معمول‌ترین روش‌ها، روش مؤلفه‌های جزئی^۱ می‌باشد که بر مبنای داده‌های تصادفی و روش رگرسیون استوار است؛ ولی در این تحقیق، به دلیل محاسبه نکردن شاخص تهدیدپذیری از سوی سایر محققان و نیز عدم امکان اندازه‌گیری تهدید اقتصادی در عالم خارج، روش رگرسیون امکان‌پذیر نیست. از این رو، روش‌های زیر برای ترکیب عوامل انتخاب شده‌اند:

۱. میانگین موزون ابعاد سه‌گانه

برای تعیین ضرایب (اوزان) ابعاد مختلف تهدید برای ترکیب آن‌ها با استفاده از روش مقایسه زوجی به کارگرفته در روش سلسله‌مراتب تحلیلی (AHP) انجام شده است. به این ترتیب که درجه اهمیت ابعاد در مقایسه با همدیگر در قالب جدول مقایسه زوجی از گروه متخصص سؤال شد.

داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار EXPERT CHOICE در قالب AHP گروهی و با منظور نمودن ضریب سازگاری تحلیل و نتایج استخراج شد. نتایج ملاحظه حاصله نشان می‌دهد که خبرگان با توجه به اینکه در حوزه تهدیدشناسی، تهدیدها با منشأ خارجی اهمیت و فوریت بیشتری داشته، در مقایسه با تهدیدهای داخلی کمتر تحت کنترل و مدیریت دولت‌ها هستند، به عوامل تهدیدکننده استقلال اقتصادی وزن بیشتری داده‌اند. وزن هر یک از ابعاد سه‌گانه استقلال اقتصادی، توزیع عادلانه و رشد اقتصادی به ترتیب برابر ۰.۴۰۲، ۰.۳۲۲، ۰.۲۷۷، تعیین شده‌اند و در نتیجه شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETI_i = 0.402 * TI_i + 0.277 * TG_i + 0.322 * TD_i \quad (3)$$

۲. روش مورد استفاده گزارش توسعه انسانی

گزارش توسعه انسانی به هنگام محاسبه شاخص‌های ترکیبی — که فقدان موضوعی (نظیر فقدان زندگی مناسب) را اندازه می‌گیرند — ابتدا میانگین مکعب هر عامل را محاسبه، سپس ریشه سوم آن را مقدار نهایی شاخص ترکیبی قلمداد می‌کنند. این روش دارای این خاصیت است که به عوامل با مقدار مطلق بالاتر وزن بیشتری می‌دهد و از این طریق باعث برجسته کردن وزن عوامل با وضعیت نامناسب در شاخص فقدان

می‌شود ([بی‌نام]، ۱۳۸۴: ۳۹۸). از آنجایی که شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی به نوعی بیان‌کننده فقدان ابعاد سه‌گانه استقلال اقتصادی، رشد اقتصادی و توزیع عادلانه است، به نظر می‌رسد که این روش برای محاسبه آن نیز مناسب باشد؛ از این رو با این روش، شاخص تهدیدپذیری به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$ETI_i = (1/3 * (TD_i^3 + TG_i^3 + TI_i^3))^{1/3} \quad (۴)$$

در این تحقیق شاخص تهدیدپذیری به هر دو روش محاسبه شده است:

محاسبه شاخص هر بعد

با توجه به اینکه عوامل تهدید از نظر ماهیت متفاوت‌اند و بنابراین از نظر واحدهای اندازه‌گیری و دامنه تغییرات با هم فرق دارند، برای استفاده از آن‌ها در ساخت شاخص ترکیبی باید استانداردسازی شوند به روش متوسط‌گیری یا هر نوع روش دیگری با هم ترکیب نمود. معمولاً استانداردسازی هر متغیر نسبت به ستون حامل آن متغیر انجام می‌گیرد و باعث می‌شود مقادیر عناصر ستون در بازه مشخص شود و معمولاً بین صفر و یک قرار گیرد. اگر مقدار عامل i برای تعداد n کشور در یک ستون قرار داده شود، به روش‌های زیر این ستون نرمال خواهد شد:

- اگر متغیر افزایشی باشد؛ یعنی افزایش متغیر باعث افزایش مقدار شاخص ترکیبی شود:

$$x_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{\min}}{X_{\max} - X_{\min}} \quad j = 1, 2, 3, \dots, n$$

- اگر متغیر از نوع کاهشی باشد؛ یعنی افزایش متغیر باعث کاهش مقدار شاخص ترکیبی شود:

$$x_{ij} = \frac{X_{\max} - X_{ij}}{X_{\max} - X_{\min}} \quad j = 1, 2, 3, \dots, n$$

علاوه بر آن، برای ترکیب عوامل هر بعد، باید ضریب اهمیت آن‌ها تعیین شود. ضریب اهمیت با استفاده از امتیازات نشان‌داده‌شده در ستون شماره ۲ جدول شماره ۳ قابل محاسبه است؛ ولی با توجه به اینکه امتیازات یادشده در بازه ۱-۵ تعریف شده‌اند، باید ابتدا نرمال کردن آن‌ها انجام شود. ستون شماره ۳ جدول شماره ۲ نتایج حاصل از نرمال کردن امتیازات مؤلفه‌ها و وزن نهایی آن‌ها را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که وزن عوامل در فاصله نزدیک به هم قرار دارند و بیشترین اختلاف در بعد استقلال اقتصادی بوده که وزن محاسبه‌شده برای مهم‌ترین عامل، یعنی وابستگی اقتصاد به منابع

طبیعی (با شاخص صادرات مواد اولیه به کل صادرات) فقط حدود ۱/۱۴ برابر وزن کم‌اهمیت‌ترین عامل، یعنی حجم اقتصاد (با شاخص نسبت GDP کشور به کل GDP جهان) می‌باشد. محاسبات محقق با اعمال وزن‌های یادشده (میانگین موزون) نشان داد که تغییرات معناداری با روش وزن برابر (میانگین ساده) ندارد. بر اساس این، در نهایت، روش میانگین‌گیری ساده با اوزان برابر^۱ به صورت روابط زیر انتخاب شد:

$$TI_i = Average(FUI_i, FOI_i, RGDP_i, DEBT_i, PI_i, DIV_i)$$

$$TD_i = Average(INF_i, UNEM_i, HDI_i, CPI_i, GC_i) \quad (2)$$

$$TGi = Average(INV_i, LAB_i, IX_i, THI_i, EI_i, INS_i)$$

در پایان، پس از تعیین شاخص‌های ترکیبی ابعاد سه‌گانه با استفاده از روابط ارائه‌شده، شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی هر کشور محاسبه می‌شود.

جدول شماره ۳: ضریب اهمیت (وزن) متغیرهای استفاده‌شده در الگوی تحقیق

متغیرهای به کار گرفته شده در الگو	اهمیت (نظر خبرگان)	ضریب اهمیت (نرمال شده)
عوامل استقلال اقتصادی		
صادرات مواد اولیه به کل صادرات	۴,۲۱	۱
بدهی خارجی دولت به GDP	۳,۸	۰/۹۰۲۶۱۳
واردات غذا / سوخت به کل واردات	۴,۱۸	۰/۹۹۲۸۷۴
نسبت GDP کشور به کل GDP جهان	۳,۷	۰/۸۷۸۸۶
تمرکز صادراتی / تنوع صادراتی	۳,۸۵	۰/۹۱۴۴۸۹
عوامل توزیع عادلانه		
میزان تورم	۴,۳۵	۱
میزان بیکاری	۴,۲۲	۰/۹۷۰۱۱۴۹۴۳
شاخص توسعه انسانی	۳,۹	۰/۸۹۶۵۵۱۷۲۴
شاخص احساس فساد	۴,۲	۰/۹۶۵۵۱۷۲۴۱
مخارج عمومی دولت به GDP	۴,۳۳	۰/۹۹۵۴۰۲۲۹۹
عوامل رشد اقتصادی		
نسبت سرمایه‌گذاری به GDP	۴,۵	۱
شدت انرژی	۴,۲۱	۰/۹۳۵۵۵۶
شاخص آموزش (از HDI)	۴,۱	۰/۹۱۱۱۱۱
شاخص بی‌باتی	۴,۰۶	۰/۹۰۲۲۲۲
سهم محصولات جدید در اقتصاد	۳,۹۸	۰/۸۸۴۴۴۴

1. Average Procedure With Equal Weight

تعیین کشورهای مورد مطالعه و جمع آوری داده‌ها

مطالعه موردی این مقاله، مقایسه تهدیدپذیری اقتصادی ایران و کشورهای رقیب ایران است. بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، کشور ایران در افق سال ۱۴۰۴ هـ.ش باید از نظر اقتصادی در جایگاه اول منطقه قرار گیرد. هدف تعریف‌شده در چشم‌انداز بر خلاف اهداف معمول، نقطه از قبل مشخص شده نیست، بلکه خود هدف نیز پویا می‌باشد؛ زیرا به تناسب پیشرفت سایر کشورها، شاخص این هدف نیز پیشرفت و تغییر خواهد کرد؛ از این رو، محیط رقابت از نوع پیچیده و پویا، و نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی است. در برنامه‌ریزی راهبردی معمولاً احصای تهدیدها در مقایسه با برترین رقیب یا رقبا مشخص می‌شود. کشورهای رقیب ایران بر اساس سند چشم‌انداز، وضعیت‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی مختلف و سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت دارند؛ ولی با استناد مطالعه انجام‌شده از طرف مجمع تشخیص مصلحت نظام، کشورهای قدرتمند منطقه که برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای شرایط داخلی و منطقه‌ای مناسبی دارند، شامل عربستان، ترکیه، پاکستان، عراق، اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) هستند (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۶۸). با توجه به اوضاع خاص حاکم بر کشور عراق در سال‌های اخیر، این کشور از این تحقیق حذف، و همچنین با توجه به موقعیت خاص سیاسی و تاریخی کشور مصر، این کشور به مجموعه مورد مطالعه اضافه شد.

اغلب داده‌های مورد نیاز از پایگاه داده‌های شاخص‌های توسعه جهان WDI و همچنین گزارش‌های مختلف توسعه انسانی سازمان ملل UNDP و برخی سازمان‌های بین‌المللی دیگر استخراج شده‌اند. پس از اعمال عملیات لازم، شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی و شاخص تهدید ابعاد سه‌گانه برای هر یک از کشورها محاسبه شده است.

نتایج تحقیق^۱

با استفاده از الگوی یادشده، سری زمانی شاخص‌های سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ برای شش کشور منتخب، از منابع مختلف جمع‌آوری شده است. با توجه به روابط ۴-۱ درجه تهدیدپذیری هر یک از ابعاد سه‌گانه محاسبه، و در جداول شماره ۳، نشان داده شده است. شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی به دو روش میانگین موزون و روش مورد استفاده در گزارش توسعه انسانی محاسبه، و نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

۱. اطلاعات آماری مربوط به تحقیق در دفتر فصلنامه موجود است.

بحث و بررسی

برخورداری از استقلال اقتصادی و عدم سلطه بیگانگان بر اقتصاد، از اصول پذیرفته شده در اقتصاد اسلامی و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی است. بررسی روند این شاخص، بیانگر آن است که در سال‌های اخیر ایران در مقایسه با سه کشور ترکیه، عربستان و رژیم اشغالگر قدس، دارای بدترین وضعیت بوده و این روند نیز در حال بدتر شدن است. یکی از دلایل اصلی بروز این وضعیت، اتکای شدید اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و افزایش واردات سوخت در سال‌های اخیر (۱ درصد کل واردات در سال ۹۵ به ۱۰ درصد کل واردات سال ۲۰۰۵) است.

اما سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سال‌های اخیر بر روی زیرساخت‌های توسعه، از جمله توسعه نیروی انسانی باعث شده تا علی‌رغم آنکه ایران از نظر تهدیدشوندگی رشد اقتصادی در جایگاه بدتری در مقایسه با رژیم اشغالگر قدس و ترکیه قرار دارد؛ ولی روند شاخص تهدیدشوندگی رشد به سرعت در حال تنزل است در حالی که روند شاخص در مورد دو کشور یادشده به سوی بدتر شدن در حرکت است. این مطلب نمودار ظرفیت‌های بالقوه کشور برای برخورداری از رشد اقتصادی بالا و مستمر است. عدالت اجتماعی، به ویژه در حوزه اقتصادی از موارد تأکید اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی است. وجود تورم فزاینده و بیکاری در سال‌های اخیر باعث افزایش شاخص تهدید توزیع عادلانه شده است و جایگاه ایران از این نظر در موقعیت نامناسب و بدتر از کشورهای عربستان، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، و سیر آن نیز به سمت بدتر شدن می‌باشد.

شاخص ترکیبی تهدیدپذیری اقتصادی نیز موقعیت ایران را در میان رقبای اصلی مناسب نشان نمی‌دهد. هر چند این نکته نیز باید مود توجه قرار گیرد که روند تهدیدپذیری اقتصادهای رقیب، نظیر عربستان و رژیم اشغالگر قدس با شدت فراوانی در حال افزایش است، درباره ایران تقریباً ثابت است و برای ترکیه به صورت کاهشی است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، ارائه الگویی برای بررسی تهدیدپذیری اقتصادهای ملی به صورت مقایسه‌ای است. این مدل را می‌توان برای هر کشوری با در نظر گرفتن شرایط کلی آن کشور و تعیین رقبای اصلی در سطوح مختلف جهانی، منطقه‌ای یا هر گروه‌بندی خاص از کشورها، با کمی تغییرات و اصلاحات به کار برد. با توجه به سند

چشم‌انداز، در این مقاله وضعیت تهدیدپذیری اقتصادی ایران در برابر با رقبای اصلی بررسی شد. نتایج حاصل از اجرای الگو، بیان‌کننده وضعیت تقریباً نامناسب اقتصاد ایران در مقایسه با رقبای در شرایط فعلی و در عین حال ظرفیت‌های بالقوه فراوان کشور در مقایسه با آنهاست. این مهم هشدار می‌دهد به سیاست‌گذاران کشور برای برنامه‌ریزی دقیق و استفاده مؤثر از توانمندی‌های کشور برای نیل به اهداف مورد نظر چشم‌انداز می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- لازم است ذکر شود که هم‌فیر این موارد را با بررسی مطالعات تجربی استخراج و نتایج آن‌ها در مقاله خود بازگو کرده است.
- ۲- با توجه به پیچیدگی موضوع عدالت در این تحقیق، عادلانه‌تر بودن توزیع به معنای برابری و همگنی بیشتر بین افراد جامعه در برابری امکانات می‌باشد.

منابع

- آذرمند، حمید (۱۳۸۶)؛ «نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی»، *مجله روند اقتصادی*؛ ش ۵۰ و ۵۱، صص ۱۶۵-۱۱۹.
- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۶)؛ «تأثیر حکومت اقلیم شمال عراق بر کردستان ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ پیش شماره ۲ و ۳، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)؛ *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باری، بوزان (۱۳۷۸)؛ *مردم، دولت‌ها و هراس*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پای، لوسین و سایر همکاران (۱۳۸۰)؛ *بحران‌ها و تسوالی‌ها در توسعه سیاسی*؛ ترجمه غلامرضا خواجه‌سروری؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری، و استوارت کرافت و لوسی جیمز (۱۳۸۱)؛ *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*؛ ترجمه علی‌اصغر افتخاری؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی‌نژاد، سیدمرتضی (۱۳۸۶)؛ «تورم و بی‌ثباتی: از منظر محرومیت نسبی»، *فصلنامه امنیت اقتصادی*؛ پیش ش ۱، صص ۵۷-۲۹.
- دیوید، فردآر (۱۳۸۰)؛ *مدیریت راهبردی*؛ ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رضایی میرقاید، محسن، و علی مبینی‌دهکردی (۱۳۸۶)؛ *ایران آینده در افق چشم‌انداز*؛ ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)؛ *توسعه و تضاد*؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۳)؛ *اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زمانی، هادی (۲۰۰۷)؛ «تأثیر روند جهانی شدن»، WWW.hadizamani.com
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)؛ *مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، اسناد توسعه ویژه (فرابخش).
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)؛ *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۱)؛ *در باب نابرابری اقتصادی*؛ ترجمه حسین راغفر؛ تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۸)؛ *توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*؛ تهران: نشر هستان.
- عباسی، عبدالله (۱۳۸۶)؛ «نگاهی اجمالی به قوم ایرانی ترکمن، مسایل سیاسی - اجتماعی»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ پیش شماره ۲ و ۳، صص ۲۱۷-۱۹۳.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۵)؛ «جهانی‌شدن تجارت و مسأله هویت فرهنگی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*؛ ۶ دی ماه، کدخبر ۲۵۳۹۷.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)؛ *اقتصاد سیاسی ایران*؛ ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی؛ تهران: نشر مرکز.

- گر، تدرابرت (۱۳۷۷): *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*؛ ترجمه علی مرشدزاده؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷): *چهره متغیر امنیت ملی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۶): «تأثیر توسعه بر مسائل قومی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ پیش‌شماره ۲ و ۳، صص ۵۲-۸۳.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *تحولات قومی در ایران*؛ تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- [بی‌نام] (۱۳۸۱): *مطالعه آشوب‌های شهری در جمهوری اسلامی ایران*؛ گزارش تحقیقاتی ۶۰-۲-۳۹-۱.
- ۱-۲-۱ (۱۳۸۱): تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [بی‌نام] (۱۳۸۴): *گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳*؛ تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت بررسی و نظارت.
- Alesina, A and R. Perotti (1996); "Income, Political and Investment", *European Economic Review*; Vol, 109, No. 2, PP. 465-90.
- Azam, Jean & Collier, Paul & Hoeffler, Anke (2001); *International Politics on Civil Conflict, an Economic Prepective*; Users.ox.ac.uk.
- Baily, John, (2005); *Nontraditional Threats in the US-Mexico Relationship: Overview and Recommendation*; Georgetown university press.
- Barth. Aharon, (2000); "Econo-Realism-Putting Economics at Center Stage, How does and should IR Research Raced to Expanding Economic Interdependence", *Working Paper. International studies Association.*
- Callier Paul & Hoeffler anke, (2004); "Greed and grievance in civil war", *Oxford Economic*; Oxford university press, P. 56.
- Christopher. W, Hughes, (1999); *Japans Economic, Power and Security, Japan and North Korea, New York: Sheffield Center for Japans Studies*; Rutledge Series.
- Collier Paul, (2005); "Economic Causes of Civil Conflict and Their Implications for Policy", Users.ox.ac.uk.
- Gudrun, Ostby, (2007); "Horizontal Inequality - Political Environment and Civil Conflict", *World Bank Research*; P. 4193.
- <http://en.wikipedia.org/wiki/Horizontal_inequality>
- Human Development Report of the Islamic Republic of Iran (1999); *United Nation and Plan and Budget Organization of Islamic Republic of Iran.*
- Humphreys Mccartan, (2003); "Economic and Violence Conflict", Harvard University, <[www. Prevent Conflict.org](http://www.PreventConflict.org)>.
- Kaasa, Anneli, (2005); "Factors Of Income Inequality and their Influence Mechanism", Tartu University Press, Order No.458, <www.tyk.ut.ee>.
- Kirshner Janathan, (1997); "Political Economy in Security Studies after the Cold War", *Department of Government Cornell University.*
- Migual Edward, Satyanth Shanker, Sargent Ernest, (2004); "Economic Shocks and Civil Conflict", *Journal Of Political Economy*; Vol 112, No 4, pp 725-753.
- Moran. T, (1990); "International Economic and National Security", *Foreign Affairs*; 69:5.
- Motabagani, S.Mazine, (2007); "Globalization and the National Identity", *An Islamic Perspective, Madinah Center for the Study of Orientalism.* <www.madinacenter.com>.
- RAND Corporation, (2005); *Measuring National Power*, <[www. Rand.org](http://www.Rand.org)>.
- Ripsman. M.Norrin, (2000); "The Political Economy of Security: A Research and Teaching Agenda", *Journal of Military and Strategic Studies*; Vol. 1, No. 2.
- Ross, Michael, (2003); *Oil, Drugs and Diamonds How do Natural Resource Vary in their Impact on Civil War Working Paper*; UCLA University Press.
- Stewart, Frances, (2007); *Horizontal Inequalities and Conflict*; Macmillan UK.